

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که ما بیش از بیست سوال را در شش محور مطرح کردیم و گفتیم که علما یا به طور مستقل به این سوالات پرداخته اند و یا به صورت سطحی پرداخته و عبور کرده اند.

جلسه قبل به یک سوال پرداخته شد و آن سوال این بود که آیا اصول لفظیه به یک اصل رجوع می کنند یا نه؟ بلکه هر کدام مستقل هستند. عرض شد در مساله چند نظر وجود دارد؛

1: مرحوم شیخ انصاری: تمام این اصول بر می گردد به اصل عدم قرینه و لذا اصل عموم یعنی اصل عدم تخصیص، اصل اطلاق یعنی اصل عدم تقیید و... . ثمره حرف شیخ: اگر یکجا قرینه ای بود به اصل عموم تمسک نمی شود. در مقابل ایشان مرحوم آخوند خراسانی و مرحوم امام خمینی هستند؛

2: کلام مرحوم امام بدین قرار است: ایشان معتقد است تمامی این اصول به اصالة الظهور بر می گردد و اصولی فقط به دنبال ظهور است و لذا اگر در جایی ظهور منعقد شد و لو اینکه قرینه یا ما يصلح للقرینه باشد ظهور حاکم است. اما اندیشه سوم از مرحوم امام خمینی در تهذیب الاصول:

3: ایشان پس از بیان قول دوم می فرماید من در دوره قبل گفتم که تمامی اصول به اصالة الظهور بر می گردد اما در این دوره اصول (تهذیب الاصول، معتمد الاصول) می گویم این اصول به اصالة الظهور بر نمی گردد بلکه هر کدام مبنای خاصی، مورد خاصی و ثمره ی خاصی دارند.

استاد علی دوست: ایشان بحث را با سه اصل آغاز می کند و به سه اصل اصالة الحقیقه، اصالة الظهور و اصالة عدم القرینه می پردازد و می فرماید این سه اصل به هم باز نمی گردند و مستقل می باشد.

توضیح کلام مرحوم امام: ما چرا در حجیت کلام متکلم شک می کنیم؟ منشاء شک می تواند چند امر باشد.

1: گاهی منشاء شک این است که آیا متکلم در صدد تفهیم بوده یا نه؟ چنانکه در روایات می توانیم بگوییم آیا متکلم در مقام بیان واقع بوده یا نه؟ بلکه در صدد تقیه بوده در اینجا اصل عقلایی به صدد تفهیم و بیان بودن جاری می شود.

2: گاهی منشاء شک به این بر می گردد که ما می دانیم متکلم در صدد بیان است اما شک داریم که آیا متکلم معنا را درست به کار برده یا نه؟ مثلاً شخصی واژه ای را به کار می برد که احتمال می دهیم اشتباه به کار برده مثلا از کلمه برائت استفاده در حالی که ما احتمال می دهیم مقصودش احتیاط است و بالعکس. در اینجا اصل این است که عقلا کلام متکلم را حمل بر این می کنند که درست بیان کرده است.

3: گاهی منشاء شک در کلام متکلم به این است که ما شک می کنیم متکلم آیا معنای مجازی را اراده کرده یا نه؟ البته مجاز به وجه صحیح مراد است نه غلط. مرحوم امام در اینجا تفصیلی قائل می شود: در مجاز دو مینا وجود دارد:

الف: مجاز یعنی استعمال لفظ در غیر ما وضع له (مشهور)

ب: مبنای سکاکی: مجاز استعمال در غیر ما وضع له نیست بلکه استعمال در ما وضع له است فقط در مجاز یک فرد ادعایی داریم مثال: وقتی به کسی می گویی قیافه ی شما مثل ماه است، منظور این است که یک مصداق به مصادیق قمر اضافه شده است.

مرحوم امام می فرماید: طبق نظر مشهور اصالة الحقیقه در اینجا جاری است اما بنا بر مبنای سکاکی در هر حال در ما وضع له استعمال شده است و لذا باید اصل تطابق اراده جدی و استعمالی را مطرح کنیم.

4: گاهی منشاء شک به این است که ما در وجود قرینه برخلاف شک داریم.

مثال: استعمال عموم در فرد مخصّص آیا حقیقت است یا نه؟ امروزی ها معتقدند حقیقت است. اگر یک عامی بگوید نمی دانم تخصیص زده یا نه؟ بناست تخصیص بزند یا نه؟ در این صورت در عموم شک می کنیم در این صورت هم اصل تطابق اراده جدی با استعمالی جریان دارد. نتیجه اینکه: این اصول به هم رجوع نمی کنند و هرکدام اصل مستقلى می باشند. و عجیب اینکه ایشان در پایان می فرماید (ال) ظهور ماهیتش درست معلوم نیست یعنی چه؟ استاد علیدوست: مرحوم امام وقتی کلام را آغاز می کنند با سه اصل شروع می کنند اما در ادامه از اصول دیگری مانند اصل بصدق بیان بودن، اصل تطابق اراده استعمالی و جدی و... هم صحبت می کنند. اما اشکال ساختاری به کلام مرحوم امام: ایشان اصلا حرفی از اصل عدم قرینه به میان نمی آورند. اما اشکال محتوایی متعدد است و فقط ما یکی را بیان می کنیم. ایشان می فرماید: در دور اول معتقد به اصالة الظهور بودم اما در دور دوم این اصول را مستقل می دانم. اما نتیجه دور دوم ایشان با دور اول تفاوتی ندارد؛ ایشان در دور اول می فرماید ما یک اصل ظهور داریم که نشانه اش متفاوت است گاهی منشاء قرینه است گاهی شک در تقييد و... در تهذيب الاصول هم در پایان می فرماید ما هو الحجة الظهور لكن مستند الظهور متفاوتة؛ پس نتیجه تحقیق یکی شد.

نکته استاد: من احتمال می دهم که این عبارات (که من در دور اول چنین گفته ام اما در دور دوم...) از مقرر آقای سبحانی است نه مرحوم امام؛ به خصوص که این تقریرات در جوانی آقای سبحانی نوشته شده و ایشان می گوید من این را در سفر تبلیغی نوشته ام. اندیشه چهارمی هم از محقق عراقی مطرح است که کلام ایشان مفصل است و باید با دقت و تمرکز خوانده شود. و نهایتاً الافکار با دقت مطالعه شود.

الحمد لله رب العالمين